

منبعی تازه‌یاب در سازمان اداری حکومت صفوی^۱

از جمله آثار حیات اجتماعی اقوام و ملت‌ها برپا ساختن نهادها و سازمان‌های حکومتی و اداری است که برای تنظیم روابط طبقات و گروه‌های جامعه، حفظ امتیازات و شئون گروه‌های حاکم، ترتیب چگونگی بهره‌گیری از حاصل کار گروه‌های محکوم، نگاه‌داشتن روابط اجتماعی به صورت دلخواه حکومتگران و نیز درمان داشتن جامعه معین با همه خصوصیات آن در برابر تعرض و استیلا جامعه‌های دیگر است. باتوجه به دگرگونی‌های ناگزیر ناشی از روابط درونی و بیرونی جامعه‌های انسانی در طول زمان، این نهادها و سازمان‌ها نیز دچار تحول می‌شوند. از این رو است که موضوع یکی از شاخه‌های تاریخ انسانی هم‌اکنون ظهور سازمان‌ها و نهادهای جوامع انسانی قرار گرفته است. لذا یکی از ابعاد تاریخ جامعه ایرانی هم بررسی تحول و تکامل این گونه سازمان‌ها در طول تاریخ حیات این مردم می‌باشد، که به علت متحول بودن جامعه بس گونه‌گون و به علت کم شناخته بودن اجزا و جوانب مختلف تاریخ اجتماعی ایران آگاهی در این مورد اندک و مبهم است. مؤلفان بومی و سنتی تاریخ ایران یا به علت عدم احساس دگرگونی اجتماعی،

یا برای پنهان کردن واقعیت ناگزیر تحول از افراد اجتماع و القای این اندیشه که «وضع پیوسته چنین بوده است و چنین هم خواهد ماند»، به بیان تحول نهادهای اجتماعی و از جمله سازمان‌های حکومتی و اداری آگاهانه پرداخته‌اند، جز این که بسط و تفصیل این دستگاه‌ها، سرعت و شدت تحول و ملاحظه از هم گسیختگی روابط پیشین زمینه تدوین ضوابط برای تنظیم مجدد این رابطه‌ها را آماده کرده باشد. در تاریخ ایران چنین زمینه‌ای در اواخر دوره صفویه و به دنبال سقوط حاکمیت آنان تحقق یافته است.

البته، پیش از آن، گزارشگران و سیاحان خارجی در نوشته‌های خود به مناسبت، سخن از سازمان‌های حکومتی و اداری ایران رانده‌اند؛ اما به مضمون «اهل البیت ادری بمافی البیت»، خواندن شرح این دستگاه‌ها از قلم آگاهان بومی به شناختی درست‌تر می‌تواند راهبری کند.

قریب نیم قرن پیش، اهل تحقیق بانمختین اثر ایرانی در مورد سازمان‌های حکومتی اواخر دوره صفوی آشنا شدند، و آن هنگامی بود که و. مینورسکی حاصل بررسی خود را در مورد تذکره الملوک در نوزدهمین کنگره بین‌المللی خاورشناسان در ۱۹۳۵ در رم قرائت کرد و متن کتاب را با ترجمه انگلیسی و تعلیقات و حواشی ممتع در ۱۹۴۳ در کمبریج به چاپ رساند.^۱ ایرانیان هم با چاپ مجدد متن فارسی در تهران و ترجمه حواشی مینورسکی به زبان فارسی^۲ از این اثر بیشتر بهره‌مند شدند.

تا سال ۱۳۴۷، تذکره الملوک تنها متن فارسی شناخته در موضوع خود و مؤلف آن ناشناخته بود. در آن سال، آقای محمدتقی دانش‌پژوه با استناد به دیباچه نسخه این کتاب در کتابخانه ملک (به شماره ۶۲۷۵) مؤلف آن را میرزا سمیعا، برادر نیای پدری محمدهاشم رستم‌الحکما معرفی کرد و در ضمن به معرفی و انتشار تدریجی دومین کتاب در این مقوله یعنی دستور الملوک از محمد رفیع انصاری

مستوفی الممالک پرداخت.^۴

آقای دانش پژوه از سنجیدن دو کتاب مذکوره و دستور به این نتیجه رسیده است که «این دو باید از روی اصل مشترکی نوشته شده باشد و آن اصل باید مبسوط‌تر بوده باشد. نکاتی در هر یک هست که در دیگری نیست و در برخی جاها با یکدیگر اختلاف دارند، ولی هیچ‌یک ما را از آن دیگری بی‌نیاز نمی‌کند و باید به هر دو نگرست و تاریخ اجتماعی و دیوانی روزگار صفوی را از آن به‌دست آورده». مؤلف محترم کوشیده است پیشینه تاریخی آن دو کتاب را با اشاره به برخی عبارات و موضوعات چند کتاب معروف دوره صفوی و بعد از آن بیان کند، اما به نظر نمی‌رسد منابع مزبور را بتوان به عنوان پیشینه این دو کتاب یاد کرد؛ چه، اولاً هیچ‌کدام آن کتاب‌ها مطالب مذکوره و دستور را به صورت مدون و باهمه جوانب مسایل شامل نیست؛ ثانیاً، «قدوه و قانون دفترخانه همایون» مورد اشاره مؤلف عالم‌آرای عباسی دستورالعملی بوده است درباره جمع و خرج مالی کشور و نه در مورد مناصب و وظایف و... دستگاه دیوانی و حکومتی.^۵

مرحوم دکتر جهانگیر قائم‌مقامی، با توجه به اختلاف در انتساب برخی وظایف به منشی الممالک و واقعه‌نویس (مجلس‌نویس)، معتقد بود که این اختلاف قول مذکوره و دستور را «باید ناشی از این دانست که دو رساله مزبور از روی دو دستورالعمل متفاوت تنظیم و تدوین شده‌اند».

گرچه دستگاه دیوانی صفوی در ادوار مختلف خود دارای دستورالعمل‌ها و مقرراتی برای امور متفاوت و صاحب‌بایگانی پرطول و تفصیلی بوده است، اما به نظر می‌رسد تدوین راهنما و دستورالعمل عام و شاملی برای همه دستگاه اداری و حکومتی صفوی ناشی از ضرورت‌های دوره پیچیدگی و آشفتگی اواخر دوره صفوی باشد، که زمامداران و سلاطین آن دوره چون کفایت و شایستگی اداره امور را در خود نمی‌دیدند تصور می‌کردند شاید با پیروی از شیوه‌های رسمی و دیوانی

دوره‌های عظمت گذشته، بشود آبی به روی کار حکومت آورد. لذا، مثلاً شاه سلطان حسین دستور می‌دهد رساله‌ای در باب قواعد و ضوابط مربوط ترتیب داده شود.^۱ در دوره استیلای افغان‌ها هم، که شیرازه امور دیوانی مانند همه روابط و ضوابط اجتماعی از هم گسیخته بود، لزوم رجوع به قواعد مدونی در سازمان حکومتی بیشتر احساس می‌شد. از این رو است که دو رساله موجود معروف در این زمینه متعلق به دوره سلطان حسین صفوی (دستور...) یا دوره افغان‌ها (تذکره...) است.

* * *

در این موضوع رساله سومی هم به دست آمده است که مربوط به اواخر دوره تسلط افغان‌ها و اوجگیری عملیات نجات کشور از دست بیگانگان است و در دستگاه حکومتی شاه طهماسب دوم نگارش یافته است. و اینک به معرفی اجمالی این رساله می‌پردازیم.

دو سه سال پیش، در جریان فهرست نویسی نسخ خطی گنجینه‌های دو روانشاد مرحومان حاج محمد آقا و حاج حسین آقای نخجوانی، به وسیله دوست عزیزم آقای طباطبائی، رئیس کتابخانه ملی، اطلاع یافتیم که فاضل محترم آقای فتحی مجد ضمن فهرست نویسی به نسخه‌ای شبیه تذکره الملوك دست یافته است. وقتی مراجعه کردم، با لطف و استقبال نسخه را در اختیار اینجانب گذاشتند. وظیفه خود می‌دانم در اینجا از هر دو عزیز یاد شده سپاسگزاری کنم.

این رساله در گنجینه نسخ خطی مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی ضمن جزوه ایست مرکب از دو نوشته ناقص، و یکصد و چهل و هشت صفحه هفده سطر دارد. به علت افتادگی‌های نسخه، نام رساله مشخص نیست، اما محتوی و مضمون آن دقیقاً در زمینه تشکیلات اداری و سازمان حکومتی صفویه و از مقوله موضوع تذکره و دستور است.

مشخصات نسخه به شرح زیر است :

قطع : ۲۰ × ۱۲

کاغذ : هندی رنگارنگ ، نقش دارو طلا افشان

جلد : مقوا با روکش پارچه مشکی

خط : نسخ آمیخته به نستعلیق

عنوانها : قرمز

در قسمت موجود نسخه مشخصات مؤلف و نام رساله به شیوه معمول دیباچه‌های نسخ قدیم قید نشده است . در بالای حاشیه راست صفحه اول موجود نام مرحوم « حاج حسین نخجوانی » و در وسط حاشیه بالای همان صفحه عنوان متأخر « القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه » نوشته شده است .

گرچه در متن موجود اشاره‌ای به عنوان آن نشده است ، اما ، به مناسبت سخن از منصب « وزیر دیوان اعلی » ، از تاریخ نگارش آن قسمت از رساله یاد شده که ماه ربیع الثانی سال یکهزار و یکصد و چهل و یک بوده است ^{۱۱} .

مؤلف در چند جای رساله ، به مناسبت‌هایی ، به منصب خود به هنگام تدوین آن اشاره و خود را « مجلس نویس » معرفی می‌کند ^{۱۲} . او ، به هنگام بیان منصب ، القاب و شغل « مجلس نویس محفل بهشت آیین » ، القاب و نام خود را چنین می‌آورد : « فضیلت و نجابت و رفعت و اقبال پناه ، عالیجاه مقرب الخاقانی ، غلامزاده به جوهر و بنده نیک اختر ، زیناً للفضیلة و النجابة و الرفعة و الاقبال ، میرزا علی نقی نصیری ، خادم آستانه مقدسه منوره متبرکه سدره مرتبه عرش درجه رضیه رضویه ، علی مشرفها الف سلام و تحیه ، و مجلس نویس محفل بهشت آیین ^{۱۳} .

از عبارات یاد شده برمی‌آید که مؤلف رساله منسوب به خاندان نصیری است . به گفته او « سلسله نصیریه » امتیازاتی در دولت صفوی داشته‌اند که از جمله اختصاص مناصب خلفایی و حکومت الکای قراجه‌داغ ، تولیت مزار شیخ شهاب‌الدین ^{۱۴} ،

و سمت انشای ممالک (منشی الممالکی^{۱۵}) بوده است . توضیح مؤلف در بیان منصب « منشی الممالک » حاکی است که از جمله مداخل صاحب این منصب وجه « داروغگی قصبه طیبه اردوباد » بوده ، « که مکان توطن سلسله نصیریه است و از قدیم الایام معاف و وجه داروغگی آن سالی حسب المقطع هیجده تومان می شود^{۱۶} » . او مدعی است که « همیشه منصب مزبور با سلسله نصیری و آبا و اجداد این غلام مرجوع بوده و از زمان اعلیحضرت شاه اسماعیل تا حال از این سلسله بیرون نرفته ... و القاب بالارث و الاستحقاق بدان سبب به منشیان ممالک عنایت شده که از آن تاریخ تا حال این منصب به دیگری مرجوع نگردیده و بهر کس که از این سلسله تفویض نموده اند اهلیت و استحقاق تمشیت آن خدمت را داشته^{۱۷} » .

اسکندر منشی ، این « طبقه علیه نصیریه طوسیة » اردوباد را منسوب به خواجه نصیر طوسی و بهره مند از فضایل و کمالات او و حاتم بیگ اردوبادی اعتمادالدوله شاه عباس اول را از آن « سلسله علیه » می داند . به گفته او « از مآثر و نیکو خدمتی های آن سلسله اکثر اوقات یکی از مستعدان آن طبقه در این دولت ابد پیوند بدین منصب والا (انشای ممالک) سرافرازی دارند^{۱۸} » .

نام چند تن از سرشناسان این خاندان در کارانشا و آثاری از آنان در موضوع ترسل باقی مانده است^{۱۹} . اما در مورد نام و نشان و سوانح زندگی میرزا علی نقی نصیری در مدارک موجود در دسترس متأسفانه به کوچکترین اشاره ای بر نخوردیم . باشد که باکوش های دیگر و دستیابی به آثار اصیل روشنی لازم بر این تاریکی بتابد . هنگامی که بایرون راندن افغانها از ایران ، نادر به مقام دومین سلطان ایران و فرمانروایی (سپهسالاری) کل کشور رسید^{۲۰} ، به ملاحظه مفاسد رجال دستگاه صفوی در ادوار اخیر و احتمال مضار ناشی از دخالت آنان در آینده ، بسیاری از آنان را از کار و از خود دور کرد . اندک بودند از آنان که در دستگاه نادری نیز نام و اعتبار خود را نگه داشتند^{۲۱} . شاید میرزا علی نقی نیز از گرفتاران گمنامی ناشی از

این انتقال قدرت بوده باشد؛ بویژه که دستگاه حکومت نادری دیگر منصبی به نام مجلس نویس نداشت.^{۲۲}

* * *

علی‌رغم انفراد و نقص نسخه رساله، باتوجه به نکات ارزشمند زیاد آن و به نتیجه نرسیدن کوشش دریافتن نسخه‌ای دیگر و کاملتر، اینجانب به تصحیح آن پرداختم. در این تصحیح از تذکرة الملوك و دستور الملوك و دیگر متون دوره صفوی بهره‌مند شدم. درباره‌ی مواردی که برای موارد لازم به تصحیح مأخذی نبود، تصحیح قیاسی در متن و شکل اصلی در پاورقی، با قید «اصل» درج شد. رسم الخط رساله با رسم الخط رایج کنونی چندان متفاوت نیست. به هر حال، در بازنویسی متن به رسم امروزی عمل شده است.

مواردی که کاتب رساله، به سبک گذشته، «چه» و «که» و «چنانچه» و «چنانکه» را به جای هم به کار برده به همان حال مانده است. اما جاهایی که، با وجود تکرار متوالی يك حرف در کلمه، علامت تشدید غیر لازم بر بالای حرف اول نهاده (مثل قوللر) و در موارد کاف‌های فارسی، که سابقاً با يك کشیده می‌نوشتند، و حذف یا نقصان نقطه‌ها به رسم امروزی بازنویسی شده است. کلماتی مانند «ایشک» و «ایشیک» را، که در اصل متفاوت نوشته، مصحح هم به همان صورت متفاوت نقل کرده است.

افتادگی‌های نسخه به صورت [...] در متن باز نوشته مشخص شده است. از سنجیدن افتادگی‌ها با محتوای موجود در ذیل عنوان‌های مربوط و با مقایسه عنوان‌های این رساله با فهرس مطالب تذکره و دستور شاید بتوان گفت تنها در حدود يك سوم متن اصلی آن را در دست داریم.

برای تسهیل مراجعه اهل تحقیق، فهرست‌هایی از واژگان و اعلام در پایان متن ترتیب یافته است.

« توضیحات » پایانی مصحح، گرچه برای محققان فاضل چندان آموزنده نخواهد بود، برای راهنمایی مراجعان در سطوح پایین‌تر خالی از فایده نیست. مآخذ «توضیحات» جابجا ذکر شده است. عباراتی از «توضیحات» که به ذکر مآخذی منتهی نمی‌شود، مبین برداشت مصحح از مطالب متن رساله است.

هرچند بیشتر از این می‌شد در مورد این متن کار کرد، اما، به ملاحظه نقص فاحش نسخه، این کار به پیدایی نسخه‌ای کامل موکول شد. با این همه، این به فردافکنی نمی‌تواند همهٔ مسامحات و لغزش‌های کار مصحح را توجیه و تبرئه کند. امید است که فضلا و محققان ارجمند با چشم‌پوشی از خطا، نظرات اصلاحی خود را یادآوری و مصحح را سپاسگزار خود کنند، باشد که در موقع شایسته این پیشنهادات به کار بسته شود.

فرصت غنیمت شمرده، از اهل بزرگوار فضل و فن که، در داخل یا خارج کشور، اطلاعی از نسخه‌ای دیگر و کاملتر از این رساله داشته باشند تقاضا می‌شود این مخلص را از مشخصات و نشانی آن آگاه سازند.

یادداشت‌ها

- ۱- مقاله حاضر پیشگفتاری است بر منبع تازه‌یابی در سازمان اداری حکومت صفوی تحت عنوان «رسالة میرزا علی نقی نصیری» که تصحیح آن به اتمام رسیده و در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.
- ۲- نقل از پیشگفتار و مینورسکی بر تعلیقات تذکرة الملوک، در سازمان اداری حکومت صفوی، صص پانزده - هفده.
- ۳- تذکرة الملوک، متن، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۳۲؛ سازمان اداری حکومت صفوی، یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکرة الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، ۱۳۳۴.
- ۴- محمدتقی دانش‌پژوه؛ «دستور الملوک میرزا رفیعا و تذکرة الملوک میرزا سمیعا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال پانزدهم، شماره پنجم و ششم، امرداد ۱۳۴۷، صص ۵۰۴ - ۴۷۲؛ «دستور الملوک میرزا رفیعا»، متن، همان مجله، سال شانزدهم، شماره‌های اول و دوم (آذر ۱۳۴۷)، سوم (بهمن ۱۳۴۷)، چهارم (فروردین ۱۳۴۸)، پنجم و ششم (امرداد ۱۳۴۸)، جمعاً در ۱۰۱ صفحه.
- ۵- مجله یاد شده، شماره امرداد ۱۳۴۷، ص ۴۹۵.
- ۶- همان مأخذ، صص ۴۹۶-۴۹۷.
- ۷- رک: مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، سرهنگ دکتر جهانگیر قائم‌مقامی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۲۵۶.
- ۸- همان مأخذ، ص ۲۵۵.
- ۹- رک: همان مأخذ، ص ۳۳.
- ۱۰- مجله یاد شده، آذر ۱۳۴۷، ص ۳۲، از دیباجة دستور الملوک.
- ۱۱- ص ۱۵ رساله. شماره‌گذاری صفحات متن رساله از اینجانب است. در بازنویسی، شماره صفحات متن اصلی در شروع هر صفحه در داخل [] قید شده است.

- ۱۲- صص ۴۴، ۲۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۲۵ و رساله .
- ۱۳- صص ۴۵ - ۴۴ رساله .
- ۱۴- صص ۵۹ - ۵۸ رساله .
- ۱۵- ص ۸۵ رساله .
- ۱۶- ص ۸۳ رساله .
- ۱۷- صص ۸۶ - ۸۵ رساله .
- ۱۸- تاریخ عالم آرای عباسی ، اسکندرببیگ ترکمان، چاپ دوم، جلد دوم ، تهران، امیرکبیر ، ۱۳۵۰ ، صص ۷۲۴ - ۷۲۲ . این مورخ در ذیل وقایع سال بیستم جلوس (۱۰۱۵) ، به مناسبت عزم شاه عباس به سیر و گشت خطه اردوباد ، تفصیل تحسین آمیزی در وصف طبیعت و اهالی اردوباد و بویژه در فضایل منسوبان به خاندان نصیری و مکارم اخلاق و شایستگی حاتم بیگ اعتمادالدوله دارد (همان مأخذ ، صص ۷۲۹-۷۲۲) . اسکندرببیگ یک بار دیگر نیز به مناسبت سفر حاتم بیگ به اردوباد در سال بیست و یکم جلوس (۱۰۱۶)، که خود نیز همراه او بود، سخن از این خطه رانده است (همان مأخذ ، صص ۷۵۷-۷۵۵) .
- ۱۹- مانند : خواجه عتیق علی منشی، طغرانیویس شاه عباس اول (عالم آرا ، یادشده ، ص ۷۲۳)؛ عبدالحسین نصیری طوسی، منشی الممالک، پسر حاجی ادهم بیگ برادر حاتم بیگ اعتمادالدوله ونوه خواجه عتیق ، صاحب تحفه شاهی ، که مجموعه ای از منشآت عصر صفوی است (رک: فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه ، تهران ، ۱۳۴۸ ، صص ۴۳ ، ۱۸۲ و ۲۲۳) ؛ محمد رضا نصیری منشی الممالک ، فرزند عبدالحسین ؛ میرزا محمد تقی نصیری ؛ محمد کاظم نصیری ؛ میرزا نصیر نصیری (رک : فهرست یادشده ، صص ۲۳۳-۲۲۳) ؛ محمد ابراهیم فرزند زین العابدین نصیری، مجلس نویس دربار شاه سلطان حسین و مؤلف کتاب دستور شهریاران در تاریخ آن پادشاه (فهرست نسخه های خطی فارسی ، احمد منزوی، جلد ششم، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، ۱۳۵۳، ص ۴۳۲۴)، که هنوز به چاپ نرسیده و نسخه خطی آن در مجموعه خطی موزه بریتانیا به نشانی M.S. Or. 29A1 ضبط است (نظام ایالات در دوره صفویه ، رهبرین ، ترجمه کیکاووس جهانداری ، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۹ ، مأخذ ، ص ۲۱۳) .
- برای نام تعدادی از افراد خانواده عبدالحسین نصیری ، که در دستگاه انشای دیوان صفوی صاحب سمت بودند، رک : مجموعه منشآت و مکاتیب ، احتمالاً "تحفه شاهی" ، فیلم ۲۲۲۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، ص ۱۲۶ ، عریضه ای از عبدالحسین نصیری .

۲۰- رک : تاریخ فارسنامه ناصری ، حاج میرزا حسن حسینی فسایی ، تهران ، افست از روی چاپ سنگی ، کتابخانه سنایی ، بی تا . ج ۱ ، ص ۱۶۹ ، در ذیل وقایع سال ۱۱۴۲ .

۲۱- مانند حسنعلی خان معیرالممالک یا معیارباشی ، که در دستگاه طهماسب دوم و تا آخرین روز قدرت نادرهمچنان مورد اعتماد بود (رک : نادرشاه ، سروش تجلی بخش ، تهران ، ابن سینا ، ۱۳۴۶ ، صص ۱۵۸-۱۵۶) و مانند او میرزا کافی خلفا (خلیفه الحلفا) ، که از معتمدان طهماسب دوم و نادر هر دو بود و نادر در دوره قدرت خود او را به سمت سفارت روانه روسیه کرد (جهانگشای نادری ، میرزا مهدی خان استرآبادی ، به اهتمام سید عبدالله انوار ، تهران ، انجمن آثار ملی ، ۱۳۴۱ ، ص ۲۵۹) .

۲۲- رک : تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه ، دکتر رضا شعبانی ، جلد اول ، تهران ، دانشگاه ملی ایران ، ۱۳۵۹ ، صص ۲۵۳-۲۰۴ .

هرچند مرحوم دکتر قائم مقامی تفکیک وظایف منشی الممالک و واقعه نویس (مجلس نویس) را به زمان طهماسب اول صفوی منسوب می دانست (مقدمه ای بر شناخت ... ، یاد شده ، ص ۲۵۶) ، ولی میرزا علی نقی نصیری مجلس نویس (صص ۴۸-۴۶ رساله) و ، پیش از او ، محمدرضا نصیری منشی الممالک (منشآت و مکالیم ، یاد شده در یادداشت ۱۹ ، ص ۱۱۷) منصب مجلس نویسی را از اختراعات شاه عباس اول نوشته اند .

